

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ نومبر ۲۰۲۰

اعتراف زبوانه "صالح" به مستعمره بودن افغانستان!

۱

سه شنبه - ۰۴ قوس ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشت کنونی مکث کوتاهی داریم در مورد آن قسمت از گفته های "امراالله صالح" معاون اول "غنی احمدزی" که باعث برآشفنگی تقریباً تمام اعضای "ولسی جرگه" در دولت دست نشاندۀ گردیده، امکان و احتمال درگیری دوامداری را بین دو قوه یعنی مجریه و مقننه در چشم رس قرار می دهد. نخست گفته های "صالح" در دومین بخش روز نخست اجلاس ژنیو در باره فساد اداری در افغانستان که می گوید:

«به اجماع سیاسی نیاز است که نداریم. هر باری که می خواهیم اقدام قاطعی انجام دهیم، از سوی جامعه جهانی هشدار داده می شود که به جای پاک سازی فساد، اقدام سیاسی کنیم. برخی از مفسدترین ها به نام اقدام سیاسی بر ما تحمیل می شوند. برخی از قاچاقبران شناخته شده مواد مخدر به نام صلح رها شدند.»- رسانه ها-

«فساد برخی از اعضای مشخص پارلمان بسیار بزرگ است؛ بسیار بزرگ. تا کنون، متأسفانه افغانستان نتوانسته است هیچ [یک] از اعضای پارلمان را به دادگاه بکشاند. این یک گوشه فراموش شده است. تا کنون وزیران، جنرال ها، رئیسان و حتا سیاست گران بلندپایه محکوم شده اند؛ اما هیچ عضو پارلمان هزینه دست داشتن را در فساد نپرداخته است.» «و برای تأمین عدالت باید، به مصونیت آنان پایان داده شود.»- رسانه ها-

هموطنان گرامی!

حال بیائید مشترکاً لای خطوط گفته های "صالح" یا به تعبیر مردم ما "پشت ورق" را بخوانیم و ببینیم که "صالح" کدام هدفی را دنبال و به چه چیز اعتراف نموده است:

۱- "صالح" ضمن بیان دو بندی که از آنها نقل قول شده، آگاهانه و یا هم نا آگاهانه مگر با هدف تیرنه خودشان بسیار صریح اعتراف می نماید، که افغانستان کشوریست مستعمره که مقدرات و اداره آن را نیروهای اشغالگر زیر نام "جامعه جهانی" پیش برده، به حاکمیت دست نشاندۀ شان حتا اجازه نمی دهند تا در هیچ موردی مستقلانه و به اراده خود عمل نمایند.

۲- تذکر "صالح" از فقدان صلاحیت و حالت مستعمراتی و منقاد حاکمیت و دست وپای زدن آنها تحت سیطره نیروهای اشغالگر زیر نام "جامعه جهانی"، عملاً ضمن دفاع از عملکرد حاکمیت دست نشاندۀ آنها به دلیل فقدان صلاحیت

اجرائی، وارد ساختن اتهام به اشغالگران یا همان "جامعه جهانی" و مسوول اعلام داشتن آنها در قبال تمام بدبختی هائی که هم اکنون مردم ما با آن دست و پنجه نرم می کنند، می باشد.

۳- این که آنها اجازه ندارند تا با فساد برخورد قاطع نمایند و از جانب اشغالگران یا همان "جامعه جهانی" و ادار می گردند تا زیر نام "برخورد سیاسی" با مفسدان بزرگ مماشات صورت گیرد، و یا این که زیر فشار اشغالگران یا همان "جامعه جهانی" و ادار به رها کردن قاچاقبران مواد مخدر و جنایتکاران می گردند، گذشته از این که فهم نادرست و غلط معاون اول "غنی احمدزی" را از "برخورد سیاسی" می رساند، بیانگر آن است که او نه تنها نمی خواهد ماهیت کار استعمار را در مستعمرات، از نزدیک ببیند، بلکه رذیلانه تلاش می ورزد تا قسمتی از برف بام خود را نیز بر بام اولده اشغالگران یا همان "جامعه جهانی" بیندازد. زیرا:

"صالح" با آن که خود اعتراف نموده که جاسوس بوده و جاسوس است و جاسوس باقی خواهد ماند و از جانب دیگر تلاش می ورزد خود را آدم با سواد و مطلعی در امور افغانستان و جهان نشان دهد، روی همان تعلقات استخباراتی، وقتی از رهائی قاچاقبران مواد مخدر سخن به عمل می آورد، می کوشد آن را شخصی ساخته عمدتاً بار مسوولیت آن را به گردن "خلیلزاد" و احیاناً "پمیو و ترمپ" بیندازد، یعنی به فحواى "لگزدن به سگ" مرده می خواهد ضمن انداختن بار مسوولیت به دوش آنها، خوشخدمتی به اداره بعدی نیز نماید؛ مگر رذیلانه تلاش دارد پیوند های نهاد استخباراتی امپریالیستی را با قاچاق مواد مخدر نیز از دیده ها کتمان نماید. امری که چنان آشکار است و آنقدر در مورد آن مقاله و فلم مستند تهیه گردیده که نه تنها کوتوله های سیاسی از قماش "صالح" نمی توانند آن را کتمان نمایند، بلکه با درج وقایعی مانند "ایران گیت" و دست "سیا" در قاچاق مواد مخدر کولمبیا، در سینه بی کینه تاریخ، هیچ کس را یارای کتمان، انکار و یا پنهان داشتن روابط "سیا" با قاچاق مواد مخدر نمی باشد.

از آن گذشته "صالح" وقتی تلاش می ورزد تا مسوولیت رها کردن جنایتکاران و قاچاقبران مواد مخدر را شخصی ساخته بر دوش "خلیلزاد" و اربابانش بیندازد، با دیده درائی می خواهد به حافظه جمعی مردم افغانستان نیز توهین بدارد. او نمی خواهد اعتراف نماید که رهائی جنایتکاران و قاچاقبران طالب و داعشی، خط حرکتی و سیاست عملی شخص "غنی احمدزی" است که حتا قبل از گماشته شدن به حاکمیت آن را عملی نموده در جریان ۵ سال دوران اول حاکمیتش نیز به بهانه های مختلف به صد ها و هزاران جنایتکار و قاچاقبر را از زندان رها نموده است. او نمی خواهد ببیند که اگر در رهائی قاچاقبران "خلیلزاد" فشار وارد می نمود، در رهائی "اسلم فاروقی" یعنی رهبر شاخه خراسان داعش در منطقه چه کسی این فشار را وارد نموده، از وی خواسته است تا قاتل صد ها تن از هموطنان ما را که "داعش" یعنی "اسلم فاروقی" مسوولیت آن را پذیرفته است، از بند رها و بازهم به جان مردم ما بیندازد؟ این توله سگ ارتجاع هار مذهبی که اکنون از موضع یک استخباراتی غو می زند، نمی خواهد ببیند که رهائی "اسلم فاروقی" یعنی زیر پای نمودن خون بیش از صد تن از قربانیان موسوم به "جنبش روشنائی"، یعنی زیر پای نمودن خون بیش از صد ها تن از چهاراهی زنبق، شفاخانه نسائی دشت برچی، چند مرکز ورزشی در دشت برچی و...

ادامه دارد.